

# بررسی تبصره ۴ ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (الحاقی ۲۶ اسفند ۱۳۸۳)<sup>۱</sup>

جواد تقی زاده<sup>۲</sup>

## چکیده :

برای حل مشکل حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار در انتخابات هفتمین دوره قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران به دلیل استعفای منتخب این حوزه پیش از رسیدگی به اعتبارنامه ها، مجلس هفتم در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۸۳ قانون الحاقی یک تبصره به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی را تصویب کرد. با تصویب این قانون و الحاق تبصره ۴ به ماده ۸ قانون مذکور مشکل حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار حل گردید و انتخاب نماینده این حوزه همزمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برگزار شد. به موجب این قانون، "پذیرش انصراف هر یک از منتخبین پس از تایید صحت انتخابات و قبل از تصویب اعتبارنامه نیز می بایست به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد". با نگاهی به فرایند تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی خصوصاً به متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و بررسی محاسن و معایب طرح های پیشنهادی و در نهایت متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی، به نظر می رسد که کاستی های این قانون از محاسن آن به مراتب بیشتر است و حال آنکه عکس این مساله در مورد متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی صادق است. با اذعان به کاستی های متون مصوب مجلس و کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، نگارنده تلاش می نماید تا برای تعیین وضعیت حقوقی انصراف هر یک از منتخبان پیش از تصویب اعتبارنامه او در مجلس راه حلی را که ظاهراً از ایرادات کمتری برخوردار است جهت اصلاح احتمالی تبصره ۴ ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به قانونگذار عادی پیشنهاد نماید.

**واژه های کلیدی:** حقوق انتخاباتی، انصراف منتخبان، مجلس شورای اسلامی.

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۳۸۴/۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۴/۱۲/۱۱

<sup>۲</sup> - استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

## مقدمه

داستان انتخابات مجلس هفتم در حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار یکی از مواردی است که ضرورت بررسی زوایای مختلف قوانین و مقررات انتخاباتی و حتی بازبینی آنها را آشکار نمود. شورای نگهبان با ابطال آرای برخی از صندوق های اخذ رأی در بخش فریدونکنار و در نتیجه تصحیح نتایج انتخابات و اعلام انتخاب نفر دوم به جای نفر اول اعلام شده توسط وزارت کشور<sup>۳</sup> زمینه نمایان شدن یکی از زوایای مبهم حقوق انتخاباتی ایران را فراهم کرد. اعتراض عمومی بخشی از مردم فریدونکنار<sup>۴</sup> و بیم گسترش ناآرامی ها به استعفا یا انصراف منتخب بابلسر منجر گردید<sup>۵</sup>. اما منتخب بابلسر که طی نامه ای به فرمانداری بابلسر (مجری انتخابات) استعفای خود از نمایندگی را اعلام نموده بود<sup>۶</sup> بلافاصله پس از فروکش نمودن ناآرامی ها تصمیم به حضور در مجلس قانونگذاری گرفت و درخواست خود را از طریق ارسال نامه ای خطاب به شورای نگهبان (ناظر انتخابات) مطرح نمود. قانونگذار مسئولیت دستور صدور اعتبارنامه منتخبان را بر عهده وزارت کشور قرار داد (موضوع ماده ۷۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی<sup>۷</sup>) و این نهاد با استناد به این امر که انصراف منتخب بابلسر معتبر و غیرقابل برگشت است (موضوع ماده ۴۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی<sup>۸</sup>) از صدور اعتبارنامه منتخب بابلسر سر باز زد. در اثر پافشاری های وزارت کشور و در نهایت تایید

<sup>۳</sup> - <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=65360>

<sup>۴</sup> - <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=66073>

<sup>۵</sup> - <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=66448>

<sup>۶</sup> - منتخب بابلسر تصمیم خود مبنی بر عدم حضور در مجلس را در قالب استعفا به فرمانداری بابلسر اعلام کرد. در اطلاعیه ستاد انتخابات استان مازندران به پذیرفته شدن استعفای منتخب بابلسر و در نتیجه کشیده شدن انتخابات این حوزه انتخابیه به میاندوره ای اشاره شده است. رک :

<http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-361388>

<sup>۷</sup> - ماده ۷۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: "صدور اعتبارنامه منتخبین موقوف به عدم ابطال انتخابات از طرف شورای نگهبان می باشد و شورای نگهبان در اسرع وقت نظر خود را درباره انتخابات اعلام می نماید و وزارت کشور موظف است بلافاصله دستور صدور اعتبارنامه را بدهد". در همین راستا ماده ۷۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: "اعتبارنامه منتخبین به دستور وزارت کشور و با مهر و امضای اعضای هیات اجرایی و هیات نظارت در پنج نسخه (یک نسخه برای شورای نگهبان) ظرف مدت چهل و هشت ساعت تنظیم و صادر می گردد".

<sup>۸</sup> - ماده ۴۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: "هر یک از داوطلبان نمایندگی مجلس شخصا و به صورت کتبی می توانند انصراف خود را به فرمانداری یا بخشداری مرکز حوزه انتخابیه و یا وزارت کشور اعلام نمایند و مراتب انصراف توسط وزارت کشور فوراً به اطلاع هیات مرکزی نظارت می رسد. عدول از انصراف پذیرفته نمی شود". نماینده وزارت کشور در زمان تصویب کلیات طرح الحاق یک تبصره به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی بیان نموده بود که وزارت کشور معتقد است که مساله بابلسر و فریدونکنار مشمول تبصره ۳ ماده ۸ قانون انتخابات می شود و باید در این حوزه انتخابیه میان دوره ای برگزار کرد (روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۷، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم - اجلاس اول، جلسه ۸۰، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۰۵، ص ۱۷). تبصره ۳ ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: "چنانچه به علت فوت، استعفا و یا هر علت دیگر حوزه انتخابیه ای یک یا چند نماینده خود را از دست بدهد، وزارت کشور مکلف است ظرف مدت هفت ماه پس از تاریخ اعلام آن توسط مجلس شورای اسلامی با هماهنگی شورای نگهبان انتخابات را در حوزه مربوطه برگزار نماید". با توجه به ذکر اصطلاح نماینده در متن تبصره ۳، به نظر می رسد که مراد قانونگذار در اینجا تعیین وضعیت در مورد فوت، استعفا و یا ... نماینده است نه منتخب. هر چند مواردی را می توان یافت که قانونگذار اصطلاح نماینده را برای منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه او نیز به کار برده است. مثلاً می توان ماده ۸۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی را ذکر کرد که فرمانداران و بخشداران

سکوت قانون انتخابات توسط شورای نگهبان<sup>۹</sup>، مجلس هفتم با تصویب ماده واحده ای به نوعی در راستای رفع این نقیصه قدم برداشت. در نتیجه انتخابات میان دوره ای در حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار هم زمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ برگزار گردید و فردی که در مرحله قبل توسط وزارت کشور (نه شورای نگهبان) به عنوان منتخب اعلام شده بود به مجلس شورای اسلامی راه یافت<sup>۱۰</sup>.

انصراف یا استعفای منتخب بابلسر و در نتیجه عدم صدور اعتبارنامه او توسط وزارت کشور علی رغم نظر کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هفتم<sup>۱۱</sup> زمینه طرح این پرسش را فراهم نمود که آیا استعفا یا انصراف منتخب پیش از رسیدگی به اعتبارنامه او معتبر است؟ هر کدام از طرفین (وزارت کشور و موافقان ورود منتخب مستعفی به مجلس) دلایلی را در راستای تایید مواضع خود (اعتبار یا عدم اعتبار استعفا) ارایه می نمودند و علی رغم تلاش هایی که صورت گرفت هیچگاه ماهیت حقوقی رسیدگی به اعتبارنامه ها به صورت مناسب مورد کنکاش واقع نشد. بررسی این مساله می توانست بدون شک به عنوان ابزاری مناسب در اختیار مجلس هفتم در هنگام تصویب قانون الحاق یک تبصره به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۸۳ قرار گیرد. بررسی ماهیت حقوقی رسیدگی به اعتبارنامه ها را باید به فرصت های دیگر واگذار کرد و در اینجا فقط راه حل انتخابی مجلس هفتم را با نگاهی به فرایند تصویب آن در پارلمان تحلیل خواهیم نمود.

برای حل مشکل حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار در جلسه مورخ ۲۲ آذر ۱۳۸۳ طرحی با قید دو فوریت در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد<sup>۱۲</sup>. این طرح مقرر می نمود: "در صورتی که منتخبین مجلس شورای اسلامی قبل یا پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان تا قبل از تصویب اعتبارنامه در مجلس شورای اسلامی از پذیرش نمایندگی منصرف شوند مراتب را بصورت رسمی به فرمانداری حوزه انتخابیه اعلام می نمایند، این انصراف پذیرفته شده تلقی می گردد و انتخابات نماینده حوزه انتخابیه مورد نظر در اولین انتخابات میان دوره ای بعد از انصراف انجام خواهد شد"<sup>۱۳</sup>. با توجه به عدم ذکر عطف به ما سبق شدن قانون در این طرح، اگر این متن به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسید مشکل انتخابات بابلسر حل نمی شد. این موضوع توسط برخی از نمایندگان پیش از ارایه طرح توسط طراحان به مجلس<sup>۱۴</sup> و نیز پس

---

مرکز حوزه انتخابیه را موظف می نماید تا حداکثر ظرف چهل و هشت ساعت پس از اعلام ستاد انتخابات کشور مبنی بر صدور اعتبارنامه منتخبان نسبت به صدور اعتبارنامه های نمایندگان مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه اقدام نمایند.

<sup>۹</sup> <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=119300>

<sup>۱۰</sup> <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=196649>

<sup>۱۱</sup> <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=141148>

<sup>۱۲</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۴۳۲، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم - اجلاس اول، جلسه ۵۵، مورخ ۱۳۸۳/۰۹/۲۲

ص ۲۴

<sup>۱۳</sup> <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=142738>

<sup>۱۴</sup> <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=142738> و

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=142765>

از طرح موضوع در مجلس<sup>۱۵</sup> بیان شده بود. دو فوریت طرح پیشنهادی مورد تصویب قرار نگرفت و لذا طراحان متن مذکور پیشنهاد رأی گیری برای تصویب یک فوریت آن را مطرح نمودند. با تصویب یک فوریت طرح مذکور در مجلس شورای اسلامی<sup>۱۶</sup>، مساله به کمیسیون ارجاع داده شد تا در آنجا خارج از نوبت مورد بررسی قرار گیرد. به پیشنهاد یکی از نمایندگان، مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۲۷ دی ماه ۱۳۸۳ از این طرح سلب فوریت کرد<sup>۱۷</sup>. کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی طی دو شور متن مصوب خود را به مجلس ارائه نمود که این متن (مبحث اول)، متن پیشنهادی یکی از نمایندگان (مبحث دوم) و متن پیشنهادی جمعی از نمایندگان که در واقع متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی نیز است (مبحث سوم) مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

### مبحث اول: متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی به عنوان کمیسیون تخصصی در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۷ (شور اول) و تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۳ (شور دوم) متن زیر را تحت عنوان تبصره ۴ الحاقی به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به تصویب رسانید و به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کرد. متن مصوب کمیسیون مقرر می نمود: "در صورتیکه منتخبین مجلس شورای اسلامی قبل یا پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان تا قبل از تصویب اعتبارنامه در مجلس شورای اسلامی از پذیرش سمت نمایندگی منصرف شوند مراتب را بصورت رسمی به وزارت کشور اعلام می نمایند. این انصراف در صورتیکه مانع تشکیل رسمی مجلس شورای اسلامی نشود پذیرفته شده تلقی می گردد و انتخاب نماینده حوزه انتخابیه مورد نظر در اولین انتخابات میان دوره ای بعد از انصراف انجام خواهد شد. مفاد این تبصره به انتخابات مجلس هفتم تسری می یابد"<sup>۱۸</sup>.

متن مصوب کمیسیون با محاسن و معایبی همراه بود. محاسن متن مزبور عمدتاً بر روی مفاد تبصره ۴ پیشنهادی مذکور در بالا تکیه می نمود و معایب آن به دلیل وجود تبصره دیگری تحت عنوان تبصره ۵ در متن مصوب کمیسیون در شور دوم بوده است که به آن خواهیم پرداخت.

#### بند الف. محاسن متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

<sup>۱۵</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۴۳۲، همان، صص ۲۵ و ۲۶

<sup>۱۶</sup> - همان، ص ۲۶

<sup>۱۷</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۴۷۱، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم - اجلاس اول، جلسه ۶۸، مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۷، ص ۱۳

<sup>۱۸</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۵، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم - اجلاس اول، جلسه ۷۹، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۰۴، ص ۲۶ و روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۱، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم - اجلاس اول، جلسه ۹۲، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۵، ص ۲۹

۱. وضعیت انصراف منتخبان را چه قبل و چه پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان تا قبل از تصویب اعتبارنامه ها در مجلس شورای اسلامی قاعده مند می نمود.

به نظر می رسد که این موضوع حسن اصلی متن مصوب کمیسیون امنیت ملی بوده است. برای تبیین این مساله مباحثی را باید طرح کرد.

الف. سه وضعیت در مورد اشخاص حاضر در صحنه رقابت انتخاباتی قابل تصور است که عبارتند از داوطلب، منتخب و نماینده.

ب. داوطلب به شخصی اطلاق می گردد که نامزدی او در انتخابات رسماً توسط مراجع صلاحیتدار اعلام شده است و هنوز انتخاب یا عدم انتخاب او توسط مراجع مجری (وزارت کشور) یا ناظر (شورای نگهبان) انتخابات اعلام نشده است. البته در جامعه و حتی برخی مواقع در قوانین و مقررات به افرادی که قصد ثبت نام در رقابت انتخاباتی را دارند<sup>۱۹</sup> و یا ثبت نام نموده اند ولی نامزدی آنها رسماً اعلام یا تایید نشده است<sup>۲۰</sup> نیز داوطلب اطلاق می گردد. بدیهی است که این دسته از افراد می توانند بدون هیچ گونه محدودیتی از حضور در صحنه انتخابات کنار بکشند. وضعیت انصراف افرادی که قبل از رأی گیری و یا حتی پس از رأی گیری (ولی پیش از اعلام نتایج) به صورت رسمی (با اعلام وزارت کشور یا تایید شورای نگهبان) در صحنه انتخابات حاضرند و خود را در معرض انتخاب مردم قرار داده اند در ماده ۴۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به این صورت بیان شده است: "هریک از داوطلبان نمایندگی مجلس شخصا و به صورت کتبی می توانند انصراف خود را به فرمانداری یا بخشداری مرکز حوزه انتخابیه و یا وزارت کشور اعلام نمایند و مراتب انصراف توسط وزارت کشور فوراً به اطلاع هیات مرکزی نظارت می رسد. عدول از انصراف پذیرفته نمی شود". لذا انصراف داوطلبان بدون هیچ گونه محدودیتی معتبر است و قابل عدول نیست.

ج. منتخب به شخصی اطلاق می گردد که علاوه بر شرکت در رقابت انتخاباتی، توسط مراجع صلاحیتدار (وزارت کشور و یا شورای نگهبان در صورت تصحیح نتیجه انتخابات) به عنوان پیروز انتخابات اعلام می گردد ولی هنوز اعتبارنامه او (در صورت صدور یا عدم صدور) توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسیده است. وضعیت انصراف این دسته از اشخاص در متن پیشنهادی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به روشنی بیان شده بود. زیرا این طرح مقرر می نمود که مراتب انصراف منتخبان قبل یا پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان تا قبل از تصویب اعتبارنامه در مجلس شورای اسلامی می بایست توسط آنها به صورت رسمی به وزارت کشور اعلام گردد و این انصراف را در صورتی که مانع تشکیل رسمی مجلس شورای اسلامی نمی شد پذیرفته شده تلقی می کرد. به موجب این متن انصراف منتخبان اصولاً معتبر و جز در مورد استثنایی پذیرفته شده تلقی می شد.

۱۹- مانند ماده ۴۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی

۲۰- مانند ماده ۴۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی

د. نماینده به شخصی اطلاق می گردد که پس از پیروزی در رقابت انتخاباتی، تایید صحت انتخاب او توسط شورای نگهبان و صدور اعتبارنامه او توسط وزارت کشور، اعتبارنامه اش در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. وضعیت استعفای نمایندگان در ماده ۹۲ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به این صورت بیان شده است: "هر نماینده که اعتبارنامه او به تصویب رسیده است می تواند از مقام نمایندگی استعفا دهد. پذیرش استعفا موکول به تصویب مجلس است".

ه. با توجه به روشن بودن وضعیت انصراف داوطلبان در ماده ۴۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و وضعیت استعفای نمایندگان در ماده ۹۲ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، متن پیشنهادی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به دلیل جامعیتی که داشت کاملاً وضعیت انصراف منتخبان را قاعده مند می نمود و تمام طبقات منتخبان (چه کسانی که انتخاب آنها به تایید شورای نگهبان رسیده بود یا خیر و چه کسانی که اعتبارنامه آنها توسط وزارت کشور صادر شده بود یا خیر) را در بر می گرفت. لذا هیچ گونه خلا قانونی یا سکوت قانونگذار به وجود نمی آمد و هیچ وضعیتی با فقدان حکم قانون مواجهه نمی شد.

۲. با نگاهی به مفاد متن پیشنهادی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی این موضوع تایید می گردد که کمیسیون اصل را بر ایقاعی بودن انصراف قرار داده بود ولو اینکه در قسمتی از متن مصوب کمیسیون از عبارت "پذیرفته شده" تلقی کردن انصراف سخن به میان آمده بود. لذا به موجب این متن ضرورتی نداشت که انصراف توسط مرجع یا نهاد خاصی مورد پذیرش قرار گیرد و قانونگذار انصراف را جز در صورت ممانعت از تشکیل رسمی مجلس شورای اسلامی پذیرفته شده تلقی می کرد. در فرض عدم ممانعت انصراف از تشکیل رسمی مجلس، پذیرش انصراف منتخب به نهاد یا مرجع خاصی واگذار نشده بود و به اصل ایقاعی بودن انصراف<sup>۲۱</sup> خللی وارد نمی شد.

۳. جهت جلوگیری از بروز مشکلات احتمالی، قانونگذار مرجعی را که منتخبان می بایست انصراف خود را به او اعلام نمایند مشخص می نمود. لذا علی رغم نظر طراحان اولیه قانون که فرمانداری حوزه انتخابیه را مرجع دریافت انصراف قرار داده بودند، به جهت اهمیت موضوع، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی وزارت کشور را به عنوان مرجع دریافت انصراف منتخبان معین می کرد. پیش بینی لزوم تحویل انصراف به وزارت کشور به این منظور صورت گرفت که "وزارت کشور می داند چه تعداد نماینده منتخب در سراسر کشور هست و چه کسانی منتخب شده اند"<sup>۲۲</sup> و حال آنکه این امکان برای هر

<sup>۲۱</sup> - در کتاب فرهنگ اصطلاحات حقوقی، اصطلاح انصراف به این صورت تعریف شده است: "عملی که توسط آن یک شخص از یک حق، خصوصاً از یک حق راجع به یک مال، صرف نظر می کند". در تعریف انصراف هیچ اشاره ای به لزوم قبول توسط شخص یا نهاد خاصی نشده است که دلالت بر یکطرفه بودن این عمل دارد. تلقی عرف نیز از انصراف، برخلاف استعفا، ایقاع و یکطرفه بودن است. رک: S. Guinchard et G. Montagnier, *Lexique des termes juridiques*, Paris, Dalloz, 12<sup>e</sup> éd, 1999, p. 455

<sup>۲۲</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۷، همان، صص ۱۳ و ۱۴

فرمانداری فراهم نیست. فقط وزارت کشور از این امکان برخوردار بود که ارزیابی نماید که آیا انصراف های احتمالی می تواند مجلس شورای اسلامی را از رسمیت بیاندازد یا خیر.

۴. متن پیشنهادی کمیسیون با اصل کلی بودن حکم قانون سازگار بود زیرا به صورت عام مقرر می نمود که: "انتخاب نماینده حوزه انتخابیه مورد نظر در اولین انتخابات میاندوره ای بعد از انصراف انجام خواهد شد". به وسیله بیان حکم کلی مساله، قانونگذار خود را بر بیان حکم برای موضوع خاص و حوزه انتخابیه مشخصی محدود نمی نمود. حسن این موضوع زمانی مشخص می گردد که می بینیم در متن نهایی مصوب مجلس از حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار به صراحت نام برده شده است. البته ایراد تقریر قانون برای بیان حکم موضوعی خاص بر تبصره ۵ پیشنهادی کمیسیون وارد است که به آن خواهیم پرداخت.

۵. قسمت پایانی متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با بیان این مساله که: "مفاد این تبصره به انتخابات مجلس هفتم تسری می یابد"، بدون نام بردن از حوزه انتخابیه خاصی، حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار را نیز در بر می گرفت و حکم کلی ماده شامل حوزه انتخابیه مذکور (ولو اینکه انتخابات در آنجا قبل از تصویب متن پیشنهادی برگزار شده بود) نیز می گردید. لذا برخلاف نظر یکی از نمایندگان مخالف<sup>۲۳</sup>، باید اذعان نمود که متن مصوب کمیسیون با تسری دادن حکم ماده به انتخابات مجلس هفتم مشکل عدم عطف به ماسبق شدن قوانین را راجع به حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار حل می نمود. به منظور خدشه دار نشدن اصل امنیت حقوقی، اصل بر عدم عطف به ماسبق شدن قانون است اما در صورت وجود منفعت عمومی امری (بسیار مهم) قانون می تواند عطف به ماسبق شدن خود را پیش بینی نماید<sup>۲۴</sup>. با پیروی از همین منطق، ماده ۴ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: "اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد". انتخابات در حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار یکی از مصادیق انتخابات مجلس هفتم بوده است که قانونگذار حکم ماده را به آن تسری می داد. زمان تصویب قانون پس از برگزاری انتخابات در این حوزه و مطرح شدن انصراف یا استعفای منتخب آن بوده است و برای اینکه حکم قانون شامل این مورد نیز بشود قانونگذار می بایست عطف به ماسبق شدن آن را پیش بینی می کرد. متن پیشنهادی با مقدم دانستن مصلحت نظام بر مصلحت هر شخصی<sup>۲۵</sup> به صورت واضح و روشن شمول قانون را نسبت به تمام انتخابات مجلس هفتم بیان می نمود.

۶. متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی اعتبار انصراف منتخب را پیش از افتتاح مجلس جدید به رسمیت می شناخت و لذا راه حل مناسبی را برای حل معضلات و مشکلات امنیتی در موارد

۲۳- همان، ص ۱۳

۲۴- MATHIEU, (Bertrand), *La loi*, Paris, Dalloz, 1996, p. 115

۲۵- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۵، همان، ص ۲۶

مشابه ناآرامی های بخش فریدونکنار ارایه می کرد. زیرا عدم امکان انصراف یا استعفای فرد منتخب و یا معلق نمودن اعتبار آن به تصویب مجلس یا هر مرجع دیگری در آینده می تواند به تشدید ناآرامی ها و در نتیجه به خطر انداختن امنیت ملی منجر گردد. مثال بارز این مساله مورد ناآرامی ها در بخش فریدونکنار بود که با اعلام استعفای فرد منتخب به سرعت فروکش نمود. در نامه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هفتم به رییس مجلس که در آن منتخب مستعفی را نماینده قانونی حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار می شناخت ذکر شده است که منتخب بابلسر "به ادعای خود به طور صوری و برای تسکین التهاب بوجود آمده پنج روز بعد از انتخابات استعفا داده است"<sup>۲۶</sup>.

۷. متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با نظریه اعطای حقانیت ملی پارلمان به وسیله تصویب اعتبارنامه ها سازگاری بیشتری داشت. بر اساس نظریه اعطای حقانیت پارلمان، رسیدگی به اعتبارنامه ها عملی است که حقانیت ملی را از پارلمان به عنوان نماد حاکمیت ملی به منتخبان اعطا می نماید و در نتیجه نمایندگی محلی آنها را به نمایندگی ملی مبدل می سازد. در آرای برخی از حقوقدانان<sup>۲۷</sup> اشاره هایی به این نظریه شده است. به موجب این نظریه، نمایندگی فرد منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه او هنوز تثبیت شده نیست و او نمایندگی ملی را در اثر تصویب اعتبارنامه در پارلمان کسب می نماید. لذا انصراف فرد منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه او معتبر است و نیازی به پذیرش آن توسط مجلس نیست. به کار بردن اصطلاحات منتخب و انصراف در متن پیشنهادی کمیسیون موید این مطلب است که فرد منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه اش نماینده نیست. در بیانات برخی از نمایندگان نیز اشاره شده است که از زمان انتخاب تا تصویب اعتبارنامه در مجلس، شخص منتخب مردم است ولی هنوز به عنوان نماینده مجلس تلقی نمی شود و از زمان تصویب اعتبارنامه قانوناً فرد منتخب نماینده مردم می شود<sup>۲۸</sup>. استعفای نمایندگان باید به تصویب پارلمان برسد.

۸. متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با منطبق اصل ۶۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز سازگاری داشت. این اصل مقرر می دارد: "دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد". یکی از دغدغه های قانونگذار اساسی در این اصل بیان شده است و آن اینکه کشور در هیچ زمان نباید بدون مجلس باشد. متن مصوب کمیسیون عدم پذیرفته شده تلقی شدن انصراف را به حالت ممانعت انصراف از تشکیل رسمی مجلس شورای اسلامی محصور می نمود. پس در فرضی که انصراف های احتمالی منتخبان مانع تشکیل رسمی مجلس می شد و به نوعی کشور را با وضعیت بدون مجلسی مواجه می

<sup>۲۶</sup> - <http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-471195>

<sup>۲۷</sup> - سید جلال الدین مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پایدار، چاپ هفتم، بهار ۱۳۸۴، صص ۱۸۱-۱۸۰ و عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، جلد اول، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۷، ص ۱۳۱

<sup>۲۸</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۵، همان، ص ۲۶ و روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۷، همان، ص ۱۳

کرد انصراف منتخبان معتبر نبود و وزارت کشور موظف بود آن انصراف یا انصراف ها را نپذیرد<sup>۲۹</sup>. این دغدغه قانونگذار اساسی در آیین نامه داخلی مجلس راجع به استعفای نمایندگان نیز لحاظ شده است. ماده ۹۵ آیین نامه داخلی مجلس در این رابطه مقرر می نماید: "هرگاه تقاضای استعفاء تعدادی از نمایندگان به نحوی باشد که مانع از تشکیل جلسه رسمی گردد قابل طرح در مجلس نیست".

علی رغم محاسن مذکور، به متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی ایراداتی نیز وارد می شد.

بند ب. معایب متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

۱. عنوان طرح عبارت بود از: "الحاق یک تبصره به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی"، ولی عملاً کمیسیون در شور دوم دو تبصره جداگانه را جهت الحاق به ماده مربوطه پیش بینی کرده بود. یک تبصره به عنوان تبصره ۴ که ذکر آن گذشت و یک تبصره به عنوان تبصره ۵ که مقرر می نمود: "جهت برگزاری انتخابات میان دوره ای حوزه انتخابیه بابلسر اشخاص مذکور در مواد ۲۸ و ۲۹<sup>۳۰</sup> قانون انتخابات صورتیکه حداکثر ۱۰ روز پس از ابلاغ این قانون و اعلام وزارت کشور استعفا دهند می توانند در انتخابات میان دوره ای مجلس هفتم همزمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری شرکت نمایند"<sup>۳۱</sup>. لذا به بیان یکی از نمایندگان مخالف، کلیاتی که مجلس رأی داده چیز دیگری بود و گزارش کمیسیون امنیت ملی چیز دیگری بود<sup>۳۲</sup>. ظاهراً این ایراد شکلی بر متن مصوب کمیسیون وارد بود زیرا کمیسیون موظف است در چهارچوب کلیات مصوب پارلمان شور نماید و متن مصوب خود را به مجلس پیشنهاد کند.

۲. تبصره ۵ مصوب کمیسیون با این ایراد مواجه بود که فقط در مورد حوزه انتخابیه خاص (بابلسر و فریدونکنار) حکم قانونی مقرر می کرد و این مساله با اصل لزوم کلی و فراگیر بودن حکم قانون سازگار نبود. قانون ثبات ندارد مگر زمانی که کلی باشد، وگرنه دایماً در معرض تهدید منسوخیت و بی اعتباری است، هرچند از منظر حقوقی قانون بی اعتبار وجود ندارد و قانون تا زمانی که نسخ نگردد قابلیت اجرایی

<sup>۲۹</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۵، همان، ص ۲۶

<sup>۳۰</sup> - ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی موارد انتخاب ناپذیری محدود را ذکر می نماید. به موجب این ماده، اشخاصی که به دلایل شغلی انتخاب ناپذیر هستند فقط در صورتی می توانند در انتخابات داوطلب گردند که دو ماه قبل از ثبت نام داوطلبی از شغل خود استعفا نمایند.

<sup>۳۱</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۱، همان، ص ۳۲

<sup>۳۲</sup> - همان، ص ۳۱

دارد.<sup>۳۳</sup> به بیان یکی از نمایندگان مخالف "در شان قانونگذار نیست که در یک تبصره الحاقی به قانون انتخابات، نام یک حوزه انتخابیه را بیاورد."<sup>۳۴</sup>

۳. تبصره ۵ مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مقرر می نمود که: "جهت برگزاری انتخابات میان دوره ای حوزه انتخابیه بابل سر اشخاص مذکور در مواد ۲۸ و ۲۹ قانون انتخابات در صورتیکه حداکثر ۱۰ روز پس از ابلاغ این قانون و اعلام وزارت کشور استعفا دهند می توانند در انتخابات میان دوره ای مجلس هفتم همزمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری شرکت نمایند". لذا ایراد دیگر این متن این بود که ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس را در کنار ماده ۲۹ آن که راجع به موارد انتخاب ناپذیری محدود<sup>۳۵</sup> در انتخابات پارلمانی است ذکر می نمود. به موجب ماده ۲۹، اشخاصی که به دلایل شغلی در تمام حوزه های انتخابیه سراسر کشور و یا در حوزه های انتخابیه محل مأموریت خود انتخاب ناپذیر هستند فقط در صورتی می توانند در انتخابات داوطلب گردند که حداقل دو ماه قبل از ثبت نام داوطلبی از شغل خود استعفا نمایند. لذا تصریح به این موضوع که لزوم استعفای انتخاب ناپذیران محدود در دوره زمانی حداقل دو ماه پیش از ثبت نام داوطلبی در مورد حوزه انتخابیه بابل سر ضروری نیست منطقی می نمود. اما ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در مورد شرایط انتخاب پذیری است و ربطی به موارد انتخاب ناپذیری ندارد. اصولاً در ماده ۲۸ قانون مذکور مهلت زمانی خاصی ذکر نشده است تا اینکه احیاناً قانونگذار به عدم لزوم رعایت مهلت مقرر حکم نماید. قرار دادن ماده ۲۸ در کنار ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در متن مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بی معنی و کار بیهوده ای بود.

۴. متن مصوب کمیسیون مقرر می نمود: "در صورتیکه منتخبین مجلس شورای اسلامی ... از پذیرش سمت نمایندگی منصرف شوند مراتب را بصورت رسمی به وزارت کشور اعلام می نمایند. این انصراف در صورتیکه مانع تشکیل رسمی مجلس شورای اسلامی نشود پذیرفته شده تلقی می گردد ...". به نظر برخی از نمایندگان، تالی فاسد این طرح این بود که این اختیار را به وزارت کشور می داد که تاثیرگذار در سرنوشت یک یا چند حوزه انتخابیه باشد<sup>۳۶</sup>. حد و مرزی نیز توسط قانون برای این مساله که چه تعداد از انصراف منتخبان به از رسمیت انداختن مجلس منجر می شود مشخص نشده بود<sup>۳۷</sup> و دستگاه اجرایی (وزارت کشور) بدون هیچ گونه محدودیت جدی می توانست در پذیرش یا عدم پذیرش انصراف ها به موضوع ممانعت یا عدم ممانعت از تشکیل رسمی مجلس استناد نماید.

---

۳۳- MATHIEU, (Bertrand), *op. cit.*, p. 83

۳۴- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۱، همان، ص ۳۰

۳۵- اهداف اصلی قانونگذاران اساسی و عادی در پیش بینی موارد انتخاب ناپذیری محدود عبارتند از تضمین برابری داوطلبان و آزادی رأی دهندگان.

۳۶- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۰۷، همان، ص ۱۳

۳۷- همان، ص ۱۵

۵. متن مصوب کمیسیون در شور اول (که فقط تبصره ۴ بود) مشکل حوزه انتخابیه بابلسر را حل نمی کرد<sup>۳۸</sup>. هرچند عطف به ماسبق شدن قانون به نوعی در متن آن پیش بینی شده بود ولی حکم آن بر مورد وقایع حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار منطبق نبود. متن مصوب کمیسیون مقرر می نمود که منتخبین مراتب انصراف را بصورت رسمی به وزارت کشور اعلام می نمایند و حال آنکه منتخب بابلسر استعفای خود (و نه انصراف) را به فرمانداری بابلسر (و نه وزارت کشور) اعلام نموده بود. تحویل استعفا به فرمانداری را نمی توان نوعی تحویل انصراف به وزارت کشور تلقی کرد و منتخب بابلسر می بایست انصراف خود را به وزارت کشور تحویل می داد تا مشمول حکم قانون شود<sup>۳۹</sup>.

طرح مصوب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با ایراداتی همراه بود، ولی محاسن آن به مراتب وزین تر و بیشتر بوده است. علی رغم محاسن جدی متن مصوب کمیسیون، رأی مجلس به این متن منفی بود و لذا مورد تصویب قرار نگرفت<sup>۴۰</sup>. با توجه به اینکه پیشنهاد حذف این طرح نیز با رأی مثبت نمایندگان مواجه نشد<sup>۴۱</sup>، مجلس شورای اسلامی به سوی بررسی پیشنهادات دیگر نمایندگان پیش رفت.

### مبحث دوم: متن پیشنهادی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

پس از عدم تصویب طرح پیشنهادی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، یکی از نمایندگان متنی را تحت عنوان الحاق یک تبصره به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کرد که مقرر می نمود: "شورای نگهبان قانون اساسی در حوزه های انتخابیه که فرد یا افراد منتخب ظرف مدت سه ماه از تشکیل دوره مجلس شورای اسلامی (هفتم خرداد) در مجلس حضور پیدا نکنند به وزارت کشور اجازه برگزاری انتخابات میان دوره ای را خواهد داد. این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا بوده و شامل دوره هفتم نیز می شود (برای داوطلبین میان دوره ای دوره هفتم موضوع این تبصره مراعات مهلت مقرر استعفا از سمت های ذیربط ضروری نمی باشد)"<sup>۴۲</sup>. متن مذکور با محاسن و معایبی همراه بود که برخی از آنها ذکر خواهند شد.

بند الف. محاسن متن پیشنهادی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۳۸- همان، ص ۱۳

۳۹- همان، ص ۱۵

۴۰- روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۱، همان، ص ۳۲

۴۱- منبع پیشین

۴۲- همان، ص ۳۳

محاسن این متن که توسط نماینده پیشنهاد دهنده به عنوان دلایل ارایه آن بیان شده بود به قرار زیر است.

۱. متن پیشنهادی مشکل حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار را حل می نمود. منتخب بابلسر با توجه به گذشت چند ماه از شروع مجلس در پارلمان حاضر نشده بود و سقف زمانی سه ماه را گذرانده بود. لذا این حوزه انتخابیه واجد شرایطی می شد که برای اجازه دادن شورای نگهبان به وزارت کشور جهت برگزاری انتخابات میاندوره ای لازم بود<sup>۴۳</sup>. به علاوه، این متن مقرر می نمود که شامل دوره هفتم نیز می شود و به این ترتیب مشکل عدم عطف به ماسبق شدن قانون را نسبت به حوزه انتخابیه مذکور حل می کرد.

۲. در ذیل پیشنهاد بیان شده بود که "برای داوطلبین میاندوره ای دوره هفتم موضوع این تبصره مراعات مهلت مقرر استعفا از سمت های ذیربط ضروری نمی باشد". لذا افرادی که به دلایل شغلی می بایست در مهلت خاصی پیش از ثبت نام برای نامزد شدن استعفا دهند در مورد انتخابات میاندوره ای مجلس هفتم از شمول حکم کلی قانون انتخابات استثنا شده بودند و در نتیجه لزوم ارایه استعفا در مهلت زمانی حداقل دو ماه پیش از ثبت نام برای آنها جاری نبود.

با توجه به محاسن جزئی طرح پیشنهادی، ایرادات وارده بر آن بسیار جدی تر بودند.

بند ب. معایب متن پیشنهادی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

همانگونه که از اظهارات نماینده مخالف پیشنهاد مزبور استنباط می گردد، این پیشنهاد با ایرادات و ابهامات جدی مواجه بود که مهمترین آنها به قرار زیر است.

۱. متن پیشنهادی برای پاسخگویی به شرایط اضطراری منجر به انصراف منتخبان مناسب نبود و می توانست به لحاظ امنیتی حتی دردسر آفرین باشد. یعنی اگر در موارد مشابه ناآرامی های حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار با لحاظ مصالح جامعه و ضرورت های حفظ نظم عمومی فرد منتخب تصمیم به انصراف می گرفت تعیین تکلیف در مورد اعتبار یا عدم اعتبار انصراف او حداقل تا سه ماه پس از افتتاح دوره جدید قانونگذاری معلق می ماند<sup>۴۴</sup>. زیرا متن پیشنهادی می گفت که اگر فرد یا افراد منتخب ظرف سه ماه در مجلس حاضر نشدند شورای نگهبان به وزارت کشور اجازه برگزاری انتخابات میان دوره ای را می دهد. در صورت وقوع مسایل امنیتی و معضلات منجر به انصراف می بایست حداقل تا سه ماه پس از تشکیل مجلس

<sup>۴۳</sup> - منبع پیشین

<sup>۴۴</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۳، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم - اجلاس اول، جلسه ۹۳، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۶،

صبر کرد تا احيانا در صورت عدم حضور منتخب منصرف يا مستعفى در مجلس، شوراي نگهبان اجازه برگزارى انتخابات مياندوره اى را به وزارت کشور بدهد. لذا عملا انصراف يا استعفا در موارد اضطرارى معنايى نداشت و بر فرض انصراف يا استعفاى منتخب، او مى تواند با مراجعه به مجلس در محدوده زمانى سه ماه از افتتاح مجلس جديد امکان مراجعه به انتخابات مياندوره اى را از بين ببرد. به موجب اين متن، اجرايى شدن تصميم منتخب به انصراف منوط به گذشت حداقل سه ماه از افتتاح مجلس جديد مى شد. بديهيى است که از مردم حوزه انتخابيه و افکار عمومى نمى توان انتظار داشت که در شرايط بحراني و اضطرارى منتظر بمانند تا مشخص شود که آيا فرد منتخب منصرف در مدت سه ماه پس از افتتاح مجلس جديد در آن حاضر خواهد شد يا خير و آيا بر فرض عدم حضور او شوراي نگهبان به وزارت کشور اجازه برگزارى انتخابات را خواهد داد يا خير.

۲. متن پيشنهادهى شوراي نگهبان را وارد مقوله اجرايى انتخابات مى کرد، در حالى که وظيفه او اعمال نظارت بر صحت انتخابات است<sup>۴۵</sup>. بر فرض تصويب اين پيشنهادهى شوراي نگهبان مى بايست بررسى نمايد که آيا تمام منتخبان در طى سه ماه پس از تشکيل دوره قانونگذارى به مجلس آمده اند يا خير و در صورت عدم حضور به وزارت کشور اجازه برگزارى انتخابات مياندوره اى را مى داد.

۳. بر اساس متن پيشنهادهى، بر فرض عدم حضور منتخبان، شوراي نگهبان به وزارت کشور اجازه برگزارى انتخابات مياندوره اى را مى داد، اما سقف زمانى خاصى جهت صدور اجازه برگزارى انتخابات مياندوره اى پس از سه ماه از افتتاح مجلس براى شوراي نگهبان پيش بينى نشده بود. يعنى در صورت تصويب اين متن، شوراي نگهبان مى توانست بدون هيچ گونه محدوديت زمانى هر وقت که خود صلاح بداند به وزارت کشور اجازه برگزارى انتخابات مياندوره اى را اعطا نمايد و فقط موظف بود که قبل از گذشت محدوده زمانى سه ماه از افتتاح مجلس چنين اجازه اى را صادر نکند.

۴. على رغم نظر پيشنهادهنده طرح<sup>۴۶</sup>، بايد اذعان نمود که متن پيشنهادهى مشکل حوزه انتخابيه بابلسر و فريدونکنار را حل نمى نمود. منتخب مستعفى اين حوزه انتخابيه بلافاصله در مجلس هفتم حاضر شد و انصراف خود از استعفا را نيز قبلا اعلام نموده بود. اين وقايع در حالى اتفاق افتاد که وزارت کشور نيز اعتبارنامه او را صادر نمى نمود. پيش بينى ضرورت تصويب الحاق يک تبصره به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شوراي اسلامى به اين منظور بود که مشکل اين حوزه انتخابيه حل گردد، حال آنکه تصويب اين متن زمينه طرح سوالات ديگر را فراهم مى کرد. مثلا آيا مراجعه منتخب بابلسر به مجلس هفتم را مى بايست به عنوان حضور در مجلس در محدوده زمانى سه ماه از افتتاح دوره جديد تلقى کرد؟ چگونه مى توان اين

<sup>۴۵</sup> - همان، ص ۱۵

<sup>۴۶</sup> - روزنامه رسمى، شماره ۱۷۵۳۱، همان، ص ۳۳

مساله را نوعی حضور در مجلس به حساب آورد و حال آنکه اعتبارنامه او توسط وزارت کشور صادر نشده بود؟

با توجه به ایرادات و ابهاماتی که در متن مذکور وجود داشت، نماینده پیشنهاد دهنده آن را پس گرفت<sup>۴۷</sup> و زمینه را برای طرح پیشنهاد دیگری که توسط جمعی از نمایندگان تهیه شده بود فراهم کرد.

### مبحث سوم: متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی

جمعی از نمایندگان متنی را به مجلس پیشنهاد نمودند<sup>۴۸</sup> که این متن مورد تصویب پارلمان قرار گرفت. متن نهایی مصوب مجلس تحت عنوان تبصره ۴ الحاقی به ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می نماید: "پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان، وزارت کشور موظف است اعتبارنامه کلیه منتخبین را صادر و به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. پذیرش انصراف هر یک از منتخبین پس از تایید صحت انتخابات و قبل از تصویب اعتبارنامه نیز می بایست به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. انتخابات حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار همزمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برگزار خواهد شد. مهلت های مقرر در مواد ۲۸ و ۲۹ قانون انتخابات برای این حوزه لازم الرعایه نمی باشد. این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجراء است"<sup>۴۹</sup>.

متن مصوب مجلس شورای اسلامی دارای محاسن و معایبی است که ذکر آنها امکان ارزیابی دقیق تر وضعیت حقوقی انصراف منتخبان پیش از تصویب اعتبارنامه ها در مجلس را فراهم می نماید.

#### بند الف. محاسن متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی

۱. حسن اصلی قانون مصوب این است که در مورد انصراف منتخبان، ولو به صورت ناقص، حکم قانونی مقرر کرد. همانگونه که نایب رییس مجلس نیز در مقدمه طرح موضوع در مجلس بیان نمود<sup>۵۰</sup>، قانون انتخابات در رابطه با وضعیت انصراف یا استعفای منتخب کاملاً ساکت بود. با تصویب این قانون لااقل

<sup>۴۷</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۳، همان، ص ۱۵

<sup>۴۸</sup> - متن پیشنهادی جمعی از نمایندگان مقرر می نمود: "تبصره - پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان، وزارت کشور موظف است اعتبارنامه کلیه منتخبین را صادر و به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. پذیرش انصراف هر یک از منتخبین پس از تایید صحت انتخابات و قبل از تصویب اعتبارنامه نیز می بایست به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. انتخابات حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار همزمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برگزار خواهد شد و مهلت های مقرر در مواد ۲۸ و ۲۹ قانون انتخابات برای این حوزه لازم الرعایه نمی باشد. این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجراست". (روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۳، همان، ص ۱۵)

<sup>۴۹</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۱۶، مورخ ۱۳۸۴/۱/۳۱، ص ۴

<sup>۵۰</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۴۳۲، همان، ص ۲۴

وضعیت انصراف منتخبان پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان مشخص شد که باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

۲. حسن دیگر قانون مصوب این است که مشکل حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار را حل کرد، زیرا قانونگذار صراحتاً مقرر می‌دارد که: "انتخابات حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار همزمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برگزار خواهد شد." قانونگذار از پذیرش یا عدم پذیرش استعفا یا انصراف منتخب بابلسر سخنی به میان نمی‌آورد و ظاهراً علاقمند نیست که خود را درگیر مساله اعتبار یا عدم اعتبار استعفا یا انتخاب بابلسر بنماید. اما برای اینکه راه حلی برای این حوزه انتخابیه ارایه نماید صراحتاً مقرر می‌دارد که انتخابات این حوزه با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برگزار خواهد شد.

۳. حسن دیگر تبصره مصوب استفاده نمودن از اصطلاح انصراف است. در رابطه با انصراف یا استعفا دانستن عدم پذیرش سمت نمایندگی توسط منتخب همواره اختلاف نظر وجود دارد. در مورد منتخب بابلسر نیز یکی از مباحث مطروحه توسط موافقان و مخالفان، مساله انصراف یا استعفا دانستن اعلام عدم پذیرش سمت نمایندگی توسط او بود که در قالب استعفا مطرح شده بود. ریشه این اختلاف نظر در مبانی نظری رسیدگی به اعتبارنامه‌ها نهفته است و آن اینکه اگر تصویب اعتبارنامه‌ها را نوعی اعطای حقانیت ملی بدانیم و وضعیت نمایندگی منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه او را غیر ثابت فرض نماییم، اعلام عدم پذیرش سمت نمایندگی توسط او را باید انصراف تلقی کرد که اصولاً نیازمند تصویب نهاد یا مرجع خاصی نیست. اما اگر نمایندگی را برای منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه او تثبیت شده تلقی نماییم، عدم پذیرش سمت نمایندگی توسط او را باید استعفا و نیازمند قبول توسط نهاد یا مرجع خاص (در اینجا مجلس شورای اسلامی) تلقی کرد. قانونگذار در مورد منتخبین از اصطلاح انصراف استفاده نموده است ولی آن را استثناً منوط به پذیرش مجلس می‌نماید.

۴. متن مصوب مجلس برای منتخبان امنیت حقوقی به وجود می‌آورد و حقوق مردم حوزه انتخابیه را نیز تضمین می‌کند. همواره این امکان وجود دارد که از راه‌های تهدید و فشار و با ارایه دلایل واهی از منتخبان درخواست شود که انصراف دهند. متن مصوب از وقوع این گونه مسایل جلوگیری می‌نماید و حضور منتخب و معتمد مردم در مجلس را تضمین می‌کند. منتخب منصرف باید در مجلس حاضر شود تا مجلس در اثر عقل جمعی با در نظر گرفتن مصالح، رعایت حقوق افراد، رعایت حقوق اجتماع و رعایت حقوق نظام تصمیم‌گیری کند.<sup>۵۱</sup>

علی‌رغم محاسن مذکور، به متن نهایی مصوب مجلس ایرادات بسیاری وارد است.

<sup>۵۱</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۳، همان، صص ۱۵ و ۱۷

بند ب. معایب متن نهایی مصوب مجلس شورای اسلامی

۱. ایراد اصلی متن مصوب مجلس شورای اسلامی این است که از جامعیت لازم برای پوشش تمام صورت های انصراف منتخبان برخوردار نیست. تبصره ۴ ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: "پذیرش انصراف هر یک از منتخبین پس از تایید صحت انتخابات و قبل از تصویب اعتبارنامه نیز می بایست به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد". قانونگذار مقرر می نماید که انصراف منتخبان پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد اما مشخص نمی نماید که وضعیت انصراف منتخب از پذیرش سمت نمایندگی پس از اعلام نتایج توسط وزارت کشور و پیش از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان چگونه خواهد بود. وضعیت انصراف داوطلبان نمایندگی و استعفای نمایندگان به ترتیب در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (ماده ۴۶) و آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (ماده ۹۲) بیان شده است و تبصره ۴ ماده ۸ قانون مذکور نیز وضعیت انصراف منتخبان پس از تایید صحت انتخابات را بیان می نماید که باید همانند استعفای نمایندگان به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد ولی در مورد حکم انصراف منتخبان پیش از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان با خلا قانونی یا سکوت قانونگذار مواجه می باشیم.

۲. ایراد دیگر متن مصوب مجلس شورای اسلامی این است که از اصل ایقاعی بودن انصراف پیروی نمی کند، زیرا به موجب این متن پذیرش انصراف منتخبان منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی است. قانونگذار در اینجا از منطقی حقوقی حاکم بر استعفا پیروی می نماید و حال آنکه انصراف نوعی ایقاع و عملی یک طرفه است و اصولاً اعتبار آن نباید به پذیرش نهاد یا فرد خاصی مشروط گردد. ظاهراً به دلیل دغدغه رعایت منافع عموم و به ویژه مردم حوزه انتخابیه، قانونگذار در مورد انصراف منتخبان بر اصل یک طرفه بودن و عدم لزوم قبول در ایقاعات استثنای زده است. در بیانات مخالفان اعتبار بدون قید و شرط انصراف به این نکته توجه شده است که نباید به راحتی انصراف منتخب را معتبر تلقی کرد و حتماً انصراف باید توسط مرجع خاصی بررسی گردد، زیرا هزینه های زیادی از بیت المال جهت برگزاری انتخابات مصرف می شود و دستگاه های اجرایی نیز وقت زیادی را صرف برگزاری انتخابات می کنند.<sup>۵۲</sup>

۳. متن مصوب مجلس در مورد قابل عدول بودن یا نبودن انصراف منتخبان ساکت است. پاسخ مساله قابلیت یا عدم قابلیت رجوع از انصراف را می توان در مباحث مربوط به دایره شمول اصاله اللزوم در معاملات جستجو کرد. برخی از صاحب نظران اصل را در ایقاعات (که انصراف یک قسم از آن است) بر غیر قابل عدول بودن می گذارند و در واقع اصاله اللزوم را در ایقاعات (همانند عقود) جاری می دانند. اما برخی دیگر

<sup>۵۲</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۴۳۲، همان، ص ۲۶

در مورد شمول اصله اللزوم در ایقاعات تشکیک می کنند و لذا امکان رجوع و عدول از ایقاع را می پذیرند<sup>۵۳</sup>. بزرگان حقوق ایران به اصله اللزوم در ایقاعات نظر داده اند<sup>۵۴</sup>.

در اینجا قانونگذار بر اصل ایقاعی بودن انصراف استننا زده است و به نوعی حکم استعفا (عقود) را برای آن مقرر نمود. حال که خصیصه ایقاعی برای انصراف منتخبان مجلس توسط قانونگذار پذیرفته نشده است و به نوعی حکم عقود، یعنی لزوم قبول آن توسط شخص دیگر یا نهاد خاص، بر آن جاری شده است، آیا می توان گفت که انصراف هم قابل عدول است؟ ظاهراً این انصراف، با توجه به اینکه نوعی اسقاط حق نیز است، غیر قابل عدول است، اما موضع قانونگذار روشن نیست. حداقل مطلبی که می توان گفت این است که قانونگذار در مورد قابلیت یا عدم قابلیت عدول از انصراف سکوت نموده است. لذا اگر بر فرض انصراف یک منتخب، او پیش از طرح مساله در مجلس جدید از انصراف خود پشیمان شود و عدول نماید با خلاص حکم قانون مواجه خواهیم بود و مساله اعتبار یا عدم اعتبار عدول از انصراف مطرح خواهد شد.

در حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار نیز منتخب مستعفی با عدول از استعفای خود زمینه طرح این پرسش را فراهم نموده بود که آیا عدول او از استعفا یا انصراف معتبر است؟ از نامه کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی به رییس مجلس هفتم استنباط می گردد که وزارت کشور استعفای منتخب بابلسر را انصراف تلقی می کرد و انصراف را به جهت ایقاع بودن غیر قابل عدول می دانست، ولی کمیسیون اصل نود معتقد بود که علی رغم عدم لزوم قبول در ایقاعات، قابلیت رجوع از آنها وجود دارد (چنانچه در مورد طلاق مشهود است) و به دلیل سکوت قانون، قابلیت رجوع به حال خود باقی است<sup>۵۵</sup>. سکوت متن نهایی مصوب مجلس درباره قابل یا غیر قابل رجوع بودن انصراف منتخب با توجه به سابقه موضوع در انتخابات مجلس هفتم از ایرادات جدی متن مصوب است.

<sup>۵۳</sup>- <http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-471195>

<sup>۵۴</sup>- زنده یاد دکتر سید مهدی شهیدی معتقد است که انعکاس آثار ایقاع در روابط اجتماعی سبب می شود که این عمل حقوقی پس از تحقق اصولاً لازم و غیر قابل فسخ باشد و به همین جهت قانون فسخ را برای ایقاعات پیش بینی نکرده است. اما برخی از ایقاعات استثنائاً و به لحاظ عدم ارتباط با حقوق اشخاص، به وسیله موقع، قابل رجوع دانسته شده است، مانند وصیت عهدی (ماده ۸۳۸ ق.م). آقای دکتر سید مهدی شهیدی اضافه می نمایند که در فقه اصل لزوم استنباط شده از عموماً فقهی فقط برای عقود شناخته شده است (سید میرزا حسن بجنوردی، *القواعد الفقهیه*، ج ۵، صص ۱۷۳ و ۱۹۴)، هر چند بنای عقلاً را به عنوان دلیل نسبت به لزوم ایقاعات نیز می توان ثابت دانست. رک: سید مهدی شهیدی، *حقوق مدنی - جلد دوم (اصول قراردادها و تعهدات)*، تهران، عصر حقوق، ۱۳۷۹، صص ۲۷۷ و ۲۷۸. آقای دکتر ناصر کاتوزیان نیز معتقد است که مصالحی که باعث شده است تا در قراردادها "اصل لزوم" پذیرفته شود، در ایقاع هم وجود دارد و دلایلی که آن اصل را تأیید می کند، از جمله استصحاب بقای موجود اعتباری، در ایقاع نیز به کار می رود. باید تقسیم ایقاع به جایز و لازم را پذیرفت و لزوم ایقاع را به عنوان "اصل" تأیید کرد. در مواردی که هدف از ایقاع ایجاد التزام یا اسقاط حق و انحلال عمل حقوقی نیست و انشاء کننده می خواهد بدین وسیله به دیگری اذن دهد یا کاری را بر او مباح سازد، بیگمان می تواند از اذن باز گردد. رک: ناصر کاتوزیان، *حقوق مدنی - ایقاع* (نظریه عمومی - ایقاع معین)، تهران، یلدا، ۱۳۷۰، صص ۵۴، ۵۵ و ۵۸. به نظر آقای دکتر کاتوزیان، لزوم ایقاع گاه فراتر از قراردادها می رود، چنانچه بنظر مشهور خیار شرط در آن راه نمی یابد (ناصر کاتوزیان، *دوره مقدماتی حقوق مدنی - اعمال حقوقی (قرارداد - ایقاع)*، تهران، انتشار، ۱۳۷۰، ص ۴۹۸).

<sup>۵۵</sup>- <http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-471195>

۴. تبصره ۴ ماده ۸ قانون مذکور مقرر می‌دارد: "انتخابات حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار همزمان با انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برگزار خواهد شد. مهلت های مقرر در مواد ۲۸ و ۲۹ قانون انتخابات برای این حوزه لازم‌الرعایه نمی‌باشد". ایراد این متن این است که ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس را در کنار ماده ۲۹ آن که راجع به موارد انتخاب ناپذیری محدود در انتخابات پارلمانی است ذکر می‌نماید. تصریح به عدم لزوم رعایت مهلت مقرر در ماده ۲۹ (ضرورت استعفای انتخاب ناپذیران محدود در دوره زمانی حداقل دو ماه پیش از ثبت نام برای نامزدی در انتخابات) در مورد حوزه انتخابیه بابلسر منطقی بود زیرا قانونگذار نمی‌خواست از نامزدی کسانی که در مهلت مقرر استعفا نداده بودند ممانعت نماید که به این ترتیب آزادی انتخاب پذیری بیشتر تضمین می‌شد. ایراد مساله در این امر نهفته است که ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در مورد شرایط انتخاب پذیری است و ربطی به موارد انتخاب ناپذیری ندارد. اصولاً در ماده ۲۸ قانون مذکور مهلت زمانی خاصی ذکر نشده است که قانونگذار به عدم لزوم رعایت آن حکم نموده است. قرار دادن ماده ۲۸ در کنار ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس در متن مصوب مجلس شورای اسلامی توجیه پذیر نیست.

۵. تبصره ۴ ماده ۸ قانون مذکور فقط در مورد حوزه انتخابیه معینی (بابلسر و فریدونکنار) حکم قانونی مقرر نمود. این امر با اصل لزوم کلی و فراگیر بودن حکم قانون سازگار نیست. مجالس مقننه نباید در امر قانونگذاری خود را به تقریر حکم برای موارد خاص محدود نمایند. انتخابات میان دوره ای در حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار برگزار شد ولی حکم تبصره مصوب راجع به این حوزه انتخابیه همچنان در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی باقی است. به این ترتیب احکامی در قوانین موضوعه باقی خواهند ماند که دایمی نیستند و فقط به تورم غیر منطقی هنجارهای قانونی در نظم حقوقی کمک خواهند کرد. وجود قوانین با مدت حیات کوتاه به متاثر کردن مفهوم قانون منجر می‌شود و قانون دوراختنی قابل احترام نیست.<sup>۵۶</sup>

۶. متن مصوب مجلس مقرر می‌دارد: "پذیرش انصراف هر یک از منتخبین پس از تایید صحت انتخابات و قبل از تصویب اعتبارنامه نیز می‌بایست به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد". این قانون برای پاسخگویی به شرایط بحرانی و اضطراری منجر به انصراف منتخبان مناسب نیست. اگر در موارد مشابه ناآرامی های بخش فریدونکنار فرد منتخب تصمیم به انصراف از پذیرش سمت نمایندگی بگیرد تصویب یا عدم تصویب انصراف او حداقل تا افتتاح دوره جدید قانونگذاری معلق خواهد ماند. کما اینکه در پاسخ به سوال یکی از نمایندگان، رئیس مجلس هفتم تصریح می‌نماید که منظور از مجلسی که باید انصراف را به تصویب برساند آن مجلسی است که این منتخب منصرف عضو آن است نه آن مجلسی که در شرف پایان دوره است.<sup>۵۷</sup> لذا در صورت وقوع مسایل امنیتی و معضلات منجر به انصراف منتخب باید حداقل تا تشکیل مجلس جدید صبر کرد تا احیاناً مجلس قانونگذار انصراف او را تصویب یا رد نماید. اعتبار یا عدم اعتبار

<sup>۵۶</sup> MATHIEU, (Bertrand), *op. cit.*, p. 83

<sup>۵۷</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۷۵۳۳، همان، ص ۱۹

انصراف منتخب منوط به افتتاح و تصمیم مجلس جدید شده است. چگونه می توان از مردم حوزه انتخابیه و افکار عمومی انتظار داشت که در شرایط بحرانی چند ماه منتظر بمانند تا تصمیم مجلس مبنی بر تصویب یا رد انصراف منتخب مشخص شود.

۷. صدر تبصره ۴ ماده ۸ قانون مذکور مقرر می دارد: "پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان، وزارت کشور موظف است اعتبارنامه کلیه منتخبین را صادر و به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید." ذکر این مساله هنجار قانونی جدیدی را بر نظم حقوقی نمی افزاید و در واقع تکرار موضوعی است که قبلا توسط قانونگذار به صراحت بیان شده است. ماده ۷۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می دارد: "صدور اعتبارنامه منتخبین موکول به عدم ابطال انتخابات از طرف شورای نگهبان می باشد و شورای نگهبان در اسرع وقت نظر خود را درباره انتخابات اعلام می نماید و وزارت کشور موظف است بلافاصله دستور صدور اعتبارنامه را بدهد." ماده ۸۹ قانون مذکور نیز فرمانداران و بخشداران مرکز حوزه انتخابیه را موظف می نماید تا حداکثر ظرف چهل و هشت ساعت پس از اعلام ستاد انتخابات کشور مبنی بر صدور اعتبارنامه منتخبین نسبت به صدور اعتبارنامه های نمایندگان مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه اقدام نمایند.

۸. استفاده از لفظ انصراف در متن مصوب به این موضوع اشعار دارد که تصویب اعتبارنامه توسط مجلس قبل از بررسی مساله انصراف لازم نیست و مجلس مستقیما تصویب یا عدم تصویب انصراف را تصمیم گیری می کند. زیرا اگر اعتبارنامه منتخب به تصویب برسد دیگر نمی توان از انصراف سخن گفت بلکه باید از استعفای نماینده حرف زد. حال این سوال مطرح می گردد که چرا انصراف شخصی که هنوز اعتبارنامه اش به تصویب نرسیده است و در نتیجه هنوز نماینده نشده است باید به تصویب مجلس برسد؟ صفت نمایندگی برای فرد منتخب پیش از تصویب اعتبارنامه او تثبیت شده نیست تا زایل شدن آن نیاز به موافقت مقام اعطا کننده (مجلس) داشته باشد. لزوم تصویب انصراف منتخب توسط مجلس را می توان به این صورت توجیه کرد که به جهت لزوم لحاظ منافع عمومی، مجلس برای خود این صلاحیت را شناخته است که راسا تصمیم گیری نماید. حال این سوال مطرح می گردد که آیا انصراف منتخب می تواند همزمان با رسیدگی به اعتبارنامه ها به تصویب مجلس برسد یا اینکه مجلس باید این مساله را پس از تصویب اعتبارنامه ها بررسی کند؟ پاسخ قانونگذار و حکم قانون روشن نیست.

## نتیجه گیری

یقیناً یکی از دلایل اصلی ایرادات و ابهامات متن نهایی مصوب مجلس شتاب زدگی در فرایند تصویب آن به منظور تعیین تکلیف حوزه انتخابیه بابلسر و فریدونکنار پیش از فرارسیدن تعطیلات سال نو مجلس بوده است. به هر حال مشکل حوزه انتخابیه بابلسر با تصویب این ماده واحده مرتفع شد ولی ایرادات و ابهامات جدی آن قابل چشم پوشی نیست. در راستای اصلاح احتمالی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی باید به این پرسش پاسخ داد که چه متنی در صورت تصویب از ایرادات و ابهامات کمتری برخوردار است و با اصول حقوقی سازگارتر می باشد. لذا شایسته است تا متنی را به عنوان پیشنهادی برای جایگزینی متن فعلی تبصره ۴ ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ارایه نمود که به مثابه نوعی نتیجه گیری از مباحث مذکور نیز است.

### متن پیشنهادی:

"در صورتی که هر یک از منتخبان مجلس شورای اسلامی قبل یا پس از تایید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان تا قبل از تصویب اعتبارنامه در مجلس شورای اسلامی از پذیرش سمت نمایندگی منصرف شود مراتب را به صورت کتبی به وزارت کشور اعلام می نماید. این انصراف در صورت عدم ممانعت از تشکیل رسمی مجلس شورای اسلامی معتبر است و قابل عدول نیست. انتخاب نماینده حوزه انتخابیه مورد نظر در اولین انتخابات میان دوره ای بعد از انصراف انجام خواهد شد."